

عنوان مقاله:

نگاهی بر رمان « طریق بسمل شدن» بر پایه مولفه های ضدرمان و رمان نو

محل انتشار:

پژوهشنامه ادبیات داستانی، دوره 10، شماره 4 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 21

نویسندگان:

شهلا خلیل الهی - نویسنده مسئول، دانشیار، رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

بتول مهدوی - استادیار، زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

خلاصه مقاله:

ژان پل سارتر، فیلسوف، رمان نویس و منتقد فرانسوی، مهم ترین ویژگی ادبی معاصر را ظهور ضدرمان می داند. از دید او ظاهرا در رمان، شکل ظاهری و خطوط اصلی آن حفظ می شود، اما تخیل و شخصیت های غیرواقعی آن، بیانگر این معناست که دیگر عصر رمان به سبک گذشته، سپری شده و دوره معاصر، عصر تفکر و اندیشه در رمان است. از این رو، تامل و تعمق خواننده امروزی نقش اساسی در درک حقایق دارد تا بتواند معنا و مفهوم رمان را عمیق تر درک کند و به واقعیت های مدنظر آن دست یابد. رمان « طریق بسمل شدن»، دولت آبادی، رمانی است در حوزه رمان های ضدجنگ که با توجه به شگردهای خاص آن در زمینه شخصیت پردازی، زمان پریشی و مکان پریشی، بینامتنیت ها و تغییر مدام زبان از کهنه به نو و... می توان آن را در زمره رمان نو و ضدرمان برشمرد. از این رو، در مقاله حاضر سعی بر آن است تا به روش توصیفی- تحلیلی به این پرسش پاسخ داده شود که کدام یک از ویژگی های این رمان، آن را در زمره ضدرمان و رمان نو قرار می دهد؟ دستاورد این بررسی بیانگر آن است که این رمان، از لحاظ شخصیت پردازی، حذف قهرمان اصلی، راوی، بینامتنیت، ابهام در زمان و مکان، مساهمت خواننده در آفرینش متن، تخیل و... همخوانی های شایان توجهی با مولفه های ضدرمان و مولفه های رمان نو دارد.

کلمات کلیدی:

ادبیات داستانی، ضدرمان، رمان نو، طریق بسمل شدن، دولت آبادی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1425760>

